مداحان

بانک جامع اشعار



با موضوع: حضرت امام محمد باقر (ع)

جلد (۷)

بسم الله الرحمن الرحیم

بانک جامع اشعار مداحان

نویسنده:

مهدی سروری

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

بانک جامع اشعار مداحان جلد ۷

مشخصات کتاب

سرشناسه:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان،۱۳۹۰
عنوان و نام پدیدآور:بانک جامع اشعار مداحان (جلد ۷)/ مهدی سروری (مداح)
مشخصات نشر:اصفهان:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری:نرم افزار تلفن همراه و رایانه
موضوع: حضرت امام محمد باقر(ع)

حضرت امام محمد باقر(ع)

ولادت

۱- امشب که در بهشت وا می گردد

مشخصات

مناسبت ولادت
سبک ولادتی
قالب رباعی
شاعر ناشناس
منبع بایگانی
تعداد استفاده ۰

متن شعر

امشب که در بهشت وا می گردد
هر درد نگفتنی دوا می گردد
از یمن ولادت امام باقر
حاجات دل خسته روا می گردد

۲- رجب که چون رمضان فیض عام می آرد

مشخصات

مناسبت ولادت
سبک ولادتی

قالب رباعی

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

رجب که چون رمضان فیض عام می آرد

ز آستانه ی رحمت پیام می آرد

نخست مطلع این ماه عید میلاد است

زهی هلال که بدر تمام می آرد

۳- دسته گل زین العابدین، باقر علم وامام دین

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک مرثیه

قالب آهنگین

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع مرآت ولایت ۳

تعداد استفاده ۰

متن شعر

دسته گل زین العابدین، باقر علم و امام دین

نور دل و دیده ی حسن، نجل امام المجاهدین

ای مه انجم خوش آمدی

امام پنجم خوش آمدی

*****

محمّـد اول علـی، مـاه رجـب از تـو منجلی

به مصطفی پنجمین وصی، به کبریا پنجمین ولی

ای مه انجم خوش آمدی

امام پنجم خوش آمدی

***** سلام گرم پیمبرت، رسیده از قول جابرت

دخت نبی جده ی تو ، بنت حسن گشته مادرت

ای مه انجم خوش آمدی

امام پنجم خوش آمدی

*****

ای سرو جانم فدای تو ورد زبانم ثنای تو

بوده‌ام از روز کودکی تشنه ی جام ولای تو

ای مه انجم خوش آمدی

امام پنجم خوش آمدی

*****

در شب عیـد ولادتـت، پـر شده‌ام از ارادتت

سائل کوی توام که تو، لطف و کرم بوده عادتت

ای مه انجم خوش آمدی

امام پنجم خوش آمدی

*****

خیال تو شمع محفلم، بقیع تو کعبه ی دلم

ثنای تو ذکر دائمم، ولای تو کلِّ حاصلم

ای مه انجم خوش آمدی

امام پنجم خوش آمدی

*****

ماه نهد سر به خشت تو، علم خدا در سرشت تو

قلب محبـان فاطمـه بـرگ گلی از بهشت تو

ای مه انجم خوش آمدی

امام پنجم خوش آمدی

*****

۴– در عید میلاد امام باقر

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک مرثیه

قالب آهنگین

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع مرآت ولایت ۳

تعداد استفاده ۰

متن شعر

در عید میلاد امام باقر

دل خندد با یاد امام باقر

این امام ابن امام است، این صلات و این صیام است

در هلال مـاه احمـد، چهره‌اش مـاه تمام است

باقر آل محمّد خوش‌آمد

*****

این سـرو بـاغ سبـز حسنین است

سر تا پا، پا تا سر مثل حسین است

یـا حسن بنمـا نظاره، ای سلامت بی‌شماره

زاده در بـرج ولایت، دخترت یـک ماهپاره

باقر آل محمّد خوش‌آمد

*****

یا جابر یا جابر ببین مقامش

از قـول پیغمبر بگو سلامش

این همه قرآن و دین است، نجل خم المرسلین است

در شمایـل، در فضـایل، مثل زین‌العابدین است

باقر آل محمّد خوش‌آمد

*****

خورشید و دامان سحر که دیده؟

از نسل دو حجّت پسر که دیده؟

ملک هستی را صفا داد، بر همه درس وفا داد

دست‌هـای کوچک او، چشم جابر را شفا داد

باقر آل محمّد خوش‌آمد

*****

ای جان‌ها ای دل‌ها شمع مزارت

ای چشـم پیغمبـر محـو عذارت

انس و جان را رهبری تو، مصطفی را دلبری تو

علم نامحدود حق را، باقری تو باقری تو

باقر آل محمّد خوش‌آمد

*****

۵- ماه رجب سلام که ماه محمدی

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک مرثیه

قالب ترکیب بند

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع مرآت ولایت ۳

تعداد استفاده ۰

متن شعر

ماه رجب سلام که ماه محمدی

یـادآور شکـوه گلستـان احمـدی

آیینـه‌دار نــور خداونـد سرمـدی

از شـرق رحمتِ ازلـی باز سر زدی

ماه تـو نـور بـر دل اهل‌نظر دهد

میلاد چار حجت حق را خبر دهد

*****

آغـاز مـاه تـو کـه به نام پیمبر است

میـلاد پنجمیـن ولـی اللهِ اکبـر است

کز چار بحرِ نور، فروزنده گوهر است

نجلِ دو فاطمه، خَلفِ پاک حیدر است

بعد از علـی، محمّد اوّل وجود اوست

ذکر ملک همه صلوات و درود اوست

*****

ایـن باقـرالعلومِ خداونـد سرمـد است

این آفتاب حُسن خدا، وجه احمد است

مولای من محمّـدِ آل محمّـد است

گیتی ز مقدمش همه خلد مخلّد است

بـر خلـق سایـه ی کرمش مستدام باد

از شخص احمدش صلوات و سلام باد

*****

جدش بوَد حسین و، حسن جد دیگرش

سجاد باب و بنت حسن نیز مادرش

دانشوران دهر، همه بنده ی درش

جاری ز لعل لب همه‌جا درّ و گوهرش

بگذاشت پا به عالم هستی، سرم فداش

تنها نه جان و سر، پدر و مادرم فداش

*****

در قدر و در مقام، حسین است این پسر

سر تا قدم تمام، حسین است این پسر

در علم و در قیام، حسین است این پسر

آیینه ی امام حسین است این پسر

بستان حکمت ازلی در ضمیر اوست

دانش به هر کجا که نهد پا، سفیر اوست

*****

گاهی به عرش زمزمه ی حکمتش به گوش

گاهی به باغ، بیل کشاورزی اش به دوش

گه با کلام داده به اهل کمال، نوش

اهل کلام یکسره در محضرش خموش

دریا ز چشمه ی دهنش موج می‌زند

آیات وحی در سخنش موج می‌زند

*****

ای اصل دین ولای تو یا باقرالعلوم

وی ذکر حق ثنای تو یا باقرالعلوم

وی عرش، خاک پای تو یا باقرالعلوم

جان جهان فدای تو یا باقرالعلوم

مهر تو جان جان صلات و صیام من

پیوسته وقف تو، صلوات و سلام من

*****

ای شیعه را به مهر شما اقتدارها

ماه رجب گرفته ز تو اعتبارها

خورشید بر درت یکی از جان‌نثارها

گردند دور کوی تو لیل و نهارها

هر لحظه در بقیع تو صد کاروان دل است

هـر جا، روم مزار توأم شمع محفل است

*****

من کیستم که خاک سرای شما شوم؟

لب واکنـم، قصیـده سـرای شما شوم

یـا مفتخـر بـه مدح و ثنای شما شوم

باشـد کـه تـا گـدای گدای شما شوم

لال است در ثنای تو مـولا زبان من

تو وصف خود بگوی ولی با زبان من

*****

وقتـی عـدو بـه حضـرت تو گفت ناسزا

بـا حسـن خلـق و با گل لبخند از ابتدا

کردی به پاسخ از دل و از جان بر او دعا

ایـن اسـت قـدر و منـزلت و عـزت شما

تنها نه اینکه نام تو از من ربوده دل

خلق محمّدیت ز دشمن ربـوده دل

*****

ای بر تو از خدا و رسولش سـلام‌ها

اهـل کـلام را ز کـلامت کـلام‌ها

بیچـاره و ذلیـل مقـامت «هشام»ها

در پنجــه ی تـو از همه دل‌ها زمام‌ها

توحید زنده از نفس صبح و شام تو

اسلام فخر کرده به نطق «هشام» تو

*****

تو خلـق را مطاعـی و خلقت مطیع تو

برتـر ز اوج وهـم، مقـام رفیـع تـو

پیـران عقـل یکسـره طفـلِ رضیـع تـو

فـردوس گشتـه خـاک‌نشینِ بقیـع تـو

«میثم» اگـر قصیـده سرای شما شده

مشمول بذل و لطف و عطای شما شده

*****

۶- برخیز که دومین محمد آمد

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک ولادتی

قالب رباعی

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

برخیز که دومین محمد آمد

دارای علوم علم سرمد آمد

دریای علوم نبوی را باقر

با خُلق نکو و روی احمد آمد

۷- امشب گل سرخ باغ دین می آید

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک ولادتی

قالب رباعی

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

امشب گل سرخ باغ دین می آید

فرزند امیرمؤمنین می آید

تبریک که ماه برج حکمت باقر

در خانه ی زین العابدین می آید

۸- امروز بهار عاشقان احیا شد

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک ولادتی

قالب رباعی

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

امروز بهار عاشقان احیا شد

الفاظ محبت و وفا معنا شد

با آمدن امام باقر بجهان

پنجم گل گلخانه ی زهرا وا شد

۹- به عشق تو سرشته حق گِل ما

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک ولادتی

قالب رباعی

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

به عشق تو سرشته حق گِل ما

ز میلادت بود شادان دل ما

امام پنجمین کن با نگاهی

ز لطف خود، تو حلّ مشکل ما

۱۰- ای دانش و کمال و فضیلت سه بنده ات

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک مرثیه

قالب قصیده

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع نخل میثم ۴

تعداد استفاده ۰

متن شعر

ای دانش و کمال و فضیلت سه بنده ات

دشمن گشاده رو، ز گلستان خنده ات

آرنده ی کمال و شکافنده ی علوم

پاینده عمر هر دو ز گفتار زنده ات

ای متکی هماره کلام خدا به تو

یا باقرالعلوم! سلام خدا به تو

*****

مولای کل خلقت و خلاق را ولی

انوار انبیا ز جبین تو منجلی

دریای هفت دُرّ و دُرِ چار بحر نور

نجل دو فاطمه خلف پاک دو علی

تفسیر حسن لم یزلی نقش صورتت

گلبوسه های یوسف زهرا به طلعتت

*****

تو کیستی محمد آل محمدی

خورشید آسمان کمال محمدی

قرآن نور در بغل زین العابدین

آیات سوره های جمال محمدی

دانش نیازمند دم روح پرورت

جابر سلام گفته ز قول پیمبرت

*****

تو شهریار علم و علومند لشکرت

زانو زدند صدر نشینان به محضرت

حکمت لطیفه ای ز کتاب فضیلتت

دانش کنایه ای ز الفبای دفترت

در وقت درس بر سخنت خلقتند گوش

هنگام کار بیل کشاورزیت به دوش

*****

در حُسن تو جمال خداوند دیده اند

در یک کلام تو دو جهان پند دیده اند

نابخردان که زخم زبانت به دل زدند

جای غضب ز تو گل لبخند دیده اند

از بس بزرگواری و از بس گشوده ای

هم قلب دوست، هم دل دشمن ربوده ای

*****

آیینه ی جمال خداوند اکبری

نامت محمد است و سراپا پیمبری

دردانه ی حسینی و ریحانه ی حسن

نسل امام، هم ز پدر هم ز مادری

شیرین هماره کام دل از ذکر خیر توست

وز قصه ی لطیف عزیز و عُزیر توست

*****

آب حیات جرعه ای از آب جوی تو

روح مسیح می دمد از گفتگوی تو

پایان گرفت شهر جمادی در انتظار

تابید در هلال رجب ماه روی تو

این ماه را به فیض تو رحمت فزوده شد

دست عطا و باب اجابت گشوده شد

*****

علم تو گر نبود شهادت اثر نداشت

نخل امیدِ سید سجاد بر نداشت

مولای ساجدین و امام المجاهدین

مثل تو ای محمد ثانی، پسر نداشت

زهد پدر، کرامت مادر مبارکت

در کودکی شهامت حیدر مبارکت

*****

در مجلس یزید که بودت چهار سال

گفتی سخن چنانکه خداوند ذوالجلال

خواندی حرامزاده سپاه یزید را

با منطقی که پور معاویه گشت لال

یک طفل چار ساله و این نطق آتشین

تو لب گشودی و پدرت گفت آفرین

*****

حبّ تو نخل پُر بَر شیرین باغ دل

مِهر تو همچو مُهر جبین است داغ دل

از وادی بقیع تو در سینه بقعه ها

وز قبر بی چراغ تو روشن چراغ دل

ای ماوراء وهم ، مقام رفیع تو

تا حشر در مدینه ی دلها بقیع تو

*****

ای مکتب تو روح تمام پیام ها

در هر پیام روح فزایت قیام ها

تا گردش مداوم لیل و نهار هست

از خلقت و خدات دمادم سلام ها

پیوسته ریخت گوهر توحید از لبت

کار قیام کربلا کرد مکتبت

*****

تو پنجمین ستاره ی برج ولایتی

مهر جهان فروز سپهر هدایتی

ملک خداست سبز ز باران رحمتت

یا باقرالعلوم به ما هم عنایتی

«میثم» هماره میوه ی نخلش ثنای توست

مضمون گرفته از تو و مدحت سرای توست

*****

۱۱- گلشن توحید، آباد امام باقر است

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک مرثیه

قالب قصیده

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع نخل میثم ۴

تعداد استفاده ۰

متن شعر

گلشن توحید، آباد امام باقر است

مرغ دل در هر نفس یاد امام باقر است

در تجلی نور ارشاد امام باقر است

شادی اجداد و اولاد امام باقر است

مژده یاران عید میلاد امام باقر است

کعبه ی دل، روح قرآن، جان زین العابدین

*****

سر زده در اول ماه رجب ماهی تمام

کآفتابش آورد هر صبحدم عرض سلام

کنیه بو جعفر، لقب باقر، محمد شد به نام

قطره ای از چشمه ی علمش علوم خاص و عام

نجل پیغمبر امام ابن امام ابن امام

رهنمای راستان و پیشوای راستین

*****

کیست این مولود؟ انجم را چراغ انجمن

عارف بود و نبود و واقف سرّ و علن

بحر بی پایان علم ذات حیّ ذوالمنن

جابر آورده سلامش از رسول مؤتمن

باب او ابن الحسین و مام او بنت الحسن

جده اش زهرا و جدش رحمتٌ للعالمین

*****

روی او روی خدا خوی محمد خوی او

سجده آرند آسمانی ها به خاک کوی تو

از حسین و از حسن دارد ملاحت روی او

لاله های باغ جنت مست عطر بوی او

نخل طوبی سرو رعنایی کنار جوی او

طوطی آن نخل، میکائیل و جبریل امین

*****

اختر برج حسن خورشید سرمد زاده ای

بر علی بن الحسین امشب محمد زاده ای

خود سپهر عصمت و ماه مؤیّد زاده ای

جان، نثار دامنت روح مجرد زاده ای

احمدی دیگر برای آل احمد زاده ای

آسمان امشب نهاده پای بر چشم زمین

*****

ای خداجویان عالم بنده ی درگاه تو

ای صراط مستقیم کلّ خلقت، راه تو

وی فراتر از ثنای خلق، قدر و جاه تو

آفتاب وحی، روی خوب تر از ماه تو

مخزن اسرار غیب حق دل آگاه تو

منطقت علم الکتاب و مکتبت علم الیقین

*****

سنگ اگر خاک تو گردد طوتیایش می کنی

مس چو اکسیر از تو خواهد کیمیایش می کنی

دست گمراهی چو گیری رهنمایش می کنی

هر کجا بیگانه بینی آشنایش می کنی

دشمن ار دشنام گوید تو دعایش می کنی

با کلامی جانفزا و با بیانی دلنشین

*****

ای گرفته وام خورشید جهان آرا ز تو

ای عیان خُلق رسول و عصمت زهرا ز تو

ای مزین کوه و دشت و دامن صحرا ز تو

ای هدایت تا قیام محشر کبری ز تو

ای زیارتنامه ی جانسوز عاشورا ز تو

شور عاشورات پیدا در کلام آتشین

*****

محفل قدوسیان را از تو باشد ذکر خیر

با تو دائم انس دارد جن و انس و وحش و طیر

کرده ای از دامن سجاده تا معبود سیر

مست فیضت آشنا و محو گفتار تو غیر

از تو زیبا قصه ی ناب عزیز است و عُزیر

سینه ات دریای علم اولین و آخرین

*****

تا تو را پیوسته در آغوش جان دارد بقیع

از تن پاك تو روح جاودان دارد بقیع

گر چه از خورشید گردون سایبان دارد بقیع

ناز، هر شب بر چراغ آسمان دارد بقیع

سایه ی رحمت به فرق انس و جان دارد بقیع

خلق رو آرند سویش از یسار و از یمین

*****

من کیم مدحت سرای خاندان عصمتم

هر که هستم خاك پای خاندان عصمتم

سر خوش از جام ولای خاندان عصمتم

بلکه مرهون عطای خاندان عصمتم

«میثم» دار بلای خاندان عصمتم

بار الها هستیم را کن فداشان آمین

*****

۱۲- اول ماه رجب شد جلوه گر ماهی تمام

مشخصات

مناسبت ولادت

سبك مرثیه

قالب قصیده

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع نخل میثم ۴

تعداد استفاده ۰

متن شعر

اول ماه رجب شد جلوه گر ماهی تمام

کآمد از هفت آسمان و مهر گردونش سلام

اختر چار آسمان و آسمان هفت مهر

یوسف دو فاطمه نور دل خیر الانام

نسل در نسلش همه خیرالورا خیرالبشر

خود امام ابن امام ابن امام ابن امام

مشعل بزم معارف باقر کلّ علوم

کعبه دل قبله ی جان رهنمای خاص و عام

عالم هستی که چون لب بر تکلم وا کند

از دمش جوشد کلیم و از لبش خیزد کلام

شهریار ملک امکان کز تمام ممکنات

ذکر او خیزد هماره فیض او جوشد مدام

در وجود حضرتش کلّ محمد جلوه گر

پیشتر از خلقت نورش محمد داشت نام

گه به نخلستان ورا بیل کشاورزی به دوش

گه به بام آسمان خورشید را گیرد زمام

بی ولای او همه رفتار عالم نادرست

بی وجود او همه طاعات خلقت نا تمام

این عجب نبود که مولانا علی بن الحسین

گیرد از او همچو پیغمبر ز زهرا احترام

با ثواب خلق اگر زاهد ندارد مهر او

دوزخش بادا حلال و جنتش بادا حرام

علم، پای کرسی تدریس او دارد جلوس

معرفت در پیش پای جابرش کرده قیام

تا بود روشن چراغ علم او در سینه اش

روز دشمن شام گردد چون به نطق آید هشام

مکتب من باقریّ و مذهب من جعفری است

نیست جز آنم طریق و نیست جز اینم مرام

مهر فرزندان او مانند جان در سینه ها

نطق شاگردان او چون تیغ برّان در نیام

ای سلاطین را به سوی آستانت التجا

وی خلایق را به دیوار بقیعت ازدحام

باقر آل محمد نجل زین العابدین

جد و باب و مادر و آباء و اجدادت کرام

رهروان فرش را مهر تو در دل روز و شب

ساکنان عرش را مدح تو بر لب صبح و شام

جابر جعفی که بحر دانشش در سینه بود

بود از دریای علمت قطره ای او را به جام

سائل کوی تو تا صبح قیامت مرد و زن

تابع حکم تو تا پایان هستی خاص و عام

گر چه قبر بی چراغت می درخشد در بقیع

چون خدا در قلب مردان خدا داری مقام

این عجب نبود که در بازار علم و حکمتت

راه پیمایی کند یوسف به عنوان غلام

می فروشد ناز، مؤمن بر گلستان بهشت

آیدش بویی گر از خاك بقیعت بر مشام

نی عجب ای کعبه ی دل در همه دوران سال

گر طواف آرد به گرد کعبه ات بیت الحرام

شخص پیغمبر تو را از سوی حق گوید درود

جابر از ختم رسل بر حضرتت آرد سلام

چار سالت بود با تیغ بیان و تیر علم

شام را کردی به چشم پور بوسفیان چو شام

با بیان زنده ات در قصر بیداد یزید

یافت زخم سینه ی آل محمد التیام

تا بگویی نیست جایز در بر ظالم سکوت

بر تمام نسل ها از کودکی دادی پیام

از تو گشته آفتاب علم و ایمان جلوه گر

وز تو باشد مکتب قرآن و عترت را قوام

در کتاب نخل «میثم» سطر سطر و بند بند

وصف تو حُسن شروع و مدح تو حُسن ختام

۱۳- دل ربودی از سینه ی همه

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

دل ربودی از سینه ی همه

قلب من کند با تو زمزمه

ترانه های لب من تویی، نماز روز و شب من تویی

ای گل زهرا گل زهرا

ای تار و پودم، همه وجودم، بود و نبودم، ذکر سجودم

*****

نام تو شده ذکر هر دمم

نغمه ی لب و اسم اعظمم

به عشق تو طی شده عمر من

روم ز گهواره ام تا کفن

ای گل زهرا گل زهرا

ای دلبر من، تاج سر من، گل پیکر من، پیغمبر من

*****

نور ایزدی در جمال توست

قبله ی همه خطّ و خال توست

حَجَر مِنا مروه زمزم صفا

به روی تو می کند اقتدا

ای گل زهرا گل زهرا

ای حاصل من، نور دل من، آب و گل من، ای ساحل من

*****

۱۴- ای بوسه گاه مصطفی از راه دور ای گل زهرا

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

ای بوسه گاه مصطفی از راه دور ای گل زهرا

آئینه ی ایزد نما معنای نور ای گل زهرا

*****

کاروان دل همه روان شده به زمزمه

همه مست صفای تو ای گل ناز فاطمه

*****

عالم آل احمدی جلوه ی ذات سرمدی

یادگار پیمبری وارث نسل حیدری

شاخه ی نحر کوثری، یار و دلبری، بر قلب همه

*****

ای آسمان فرش رهت مولای من حضرت باقر

بر چهره و روی مهت چشمان مستان شده زائر

*****

دل ما پروانه ی تو ، قلب همه، خانه ی تو

عاشقی یک جلوه ای از، لطف کریمانه ی تو

*****

تو که همنام احمدی جلوه ای از محمدی

چشمه ی لطف و رحمتی دانش بی نهایتی

ابر مهر و کرامتی، کن عنایتی، یابن فاطمه

*****

۱۵- حجت کبریایی و سلاله ی پیمبری

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک ولادتی

قالب قصیده

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

حجت کبریایی و سلاله ی پیمبری

شکوه قدر و هل اتی از جلوات کوثری

فروغ چشم فاطمه عزیز جان حیدری

تو که نسب هم از حسن هم از حسین می بری

مظهر علم داوری امام و پنجمین ولی

باقر آل احمدی، گل حسین بن علی

*****

تویی کسیکه گفته حق مدح تو و ثنای تو

دل بهشت می تپد برای تو برای تو

فرشته های آسمان به سجده پیش پای تو

فتاده جان به کف همه برای رو نمای تو

کار دم مسیح می کند نسیم گیسویت

چو خضر زنده ی ابد شود قتیل ابرویت

*****

مدینه از قدوم تو شور و صفا گرفته است

چشم همه ز روی تو نور و ضیاء گرفته است

خوشا به آنکه دامنت به هر بلا گرفته است

ز چشم فاطمیّ تو درد و دوا گرفته است

دلم اگر چه ای شها به عید تو نشسته است

ولی به یاد غربتت گرفته و شکسته است

*****

چهار ساله بودی و حاجی کربلا شدی

زائر زخم خنجر، حنجر تشنه ها شدی

به شام و کوفه دلغمین همسفر بلا شدی

تو با دل شکسته ی رقیه همنوا شدی

بار گران کشیده ای زخم زبان شنیده ای

تویی که روی نیزه ها سر بریده دیده ای

*****

تویی سحاب رحمت و منم گیاه راه تو

منم که روسیاهم و خجل ز روی ماه تو

تو پادشاه حُسن و من سائل یک نگاه تو

بی کس و خسته آمدم به سایه ی پناه تو

چه می شود به من نظر بخاطر خدا کنی

چه می شود که عیدیم بقیع خود عطا کنی

*****

شهادت

۱– دوباره دلم شد خونه ی ماتم ....

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع زمزمه های ولایت ۲-۷۷

تعداد استفاده ۰

متن شعر

دوباره دلم شد خونه ی ماتم ز غصه های گل زهرا

آماده ی رفتن شده آخرین وارث داغ و غم مولا

قلبش اسیر درده، آهش همیشه سرده، دنیا خیلی نامرده

حالش خیلی خرابه، دریا براش سرابه، دشمن با او چه کرده

الهی من غریبم(۴)

*****

زهر جفا زد بر جگر آقام شراره ی آتش کینه

حضرت صادق گشته یتیم و بر خاک غریبی می نشینه

چشماش ابر بهاره، دنیاش تیره و تاره، دیگه آروم نداره

دیده حنجر و خنجر، دیده غارت معجر، یارش نیزه سواره

الهی من غریبم (۴)

*****

امام باقر دید چه جوری عمه می دوید سوی برادر

دیده که تو گودال بوسه زده عمه به رگهای پاره ی حنجر

زینب زار و غمینه، زینب داره می بینه، یارش روی زمینه

دشمن خنجر کشیده، رأس شاه و بریده، ای کاش زهرا نبینه

الهی من غریبم (۴)

*****

۲– از روز ازل شور حسینی به سر افتاد

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک غدیریه

قالب غزل

شاعر مهربان مسعود

منبع گلواژه های عترت ۲

تعداد استفاده ۰

متن شعر

از روز ازل شور حسینی به سر افتاد

از داغ غمش سوختم و بال و پر افتاد

هر قلب شکسته تپشش ذکر حسین است

با ذکر حسین در دل عالم اثر افتاد

آنقدر من از کرببلا مست و خرابم

کز بدو تولد عطشش در جگر افتاد

صد پاره ز غم شد دل غرقابه به خونم

آن روز که در وادی عشقم گذر افتاد

آن لحظه که گلها ز عطش سوخته بودند

دیدم ز فرس خونی و زخمی قمر افتاد

یکباره سر و پای وجودم همگی سوخت

آندم که حسین بر سر نعش پسر افتاد

جانسوزتر از آن همه دردی که کشیدم

دیدم سر شش ماهه چو گل، از شجر افتاد

یک خنجر غرقابه به خون دیدم و مُردم

آن لحظه که بر گودی مقتل نظر افتاد

گوئی که همه بال ملائک ز شرر سوخت

تا بر تن هر خیمه ز کینه شرر افتاد

ای وای که من آرزوی مرگ نمودم

آن لحظه که جان پدرم در خطر افتاد

افتاد ز بس روی زمین، عمه رقیه

صد خرمن آتش به دل و بر جگر افتاد

صد بار بمیرم بِه از آن تا که ببینم

چشم پدرم بر سر و بر تشت زر افتاد

با این همه دردی که نهان در دل من شد

دیگر شجر زندگیم از ثمر افتاد

۳- سلام ما به بقیع و بقاع ویرانش

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب غزل

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

سلام ما به بقیع و بقاع ویرانش

بر آن حریم که باشد ملک نگهبانش

سلام ما به بقیع آن تجسم غربت

گواه بر سخنم تربت امامانش

بقیع کعبه ی قدس چهار معصوم است

چهار نور خدا می دمد ز دامانش

یکی است باقر از آن چهار امام

که داغ او زده آتش به قلب یارانش

غریب اوست که در موسم زیارت حج

مدینه و آن همه زائر که هست مهمانش

شب شهادت او یک نفر نمی ماند

که اشک غم بفشاند به قبر ویرانش

دری که سجده گه قدسیان بود خاکش

به زائرش ندهد اذن بوسه دربانش

۴- اندوه بلای تو شده قاتلم ای یار

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

اندوه بلای تو شده قاتلم ای یار

شد آتش داغت همه ی حاصلم ای یار

در غصه اسیرم، در زمزمه هستم

من زائر رویت، یا فاطمه هستم

*****

دیدم بخدا بر نوک نی جد غریبم

وا... ندانی که چه آن لحظه کشیدم

من رنج اسیری، دیدم به دو صد آه

در قافله بودم، با عمه به همراه

*****

من گر چه که مسموم از آن زهر جفایم

اما بخدا کشته ی ویرانه ی شامم

بار سفر خود، بسته ام خدایا

از درد و غم و رنج، خسته ام خدایا

*****

۵- ای رهبر من، دلبر من، یا امام باقر

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

ای رهبر من، دلبر من، یا امام باقر

ای شور عشقت، در سر من، یا امام باقر

مولا مولا نظری کن(۲)

*****

ای عشق من عشق پاک تو در لابلای صدر من است

در آسمانهای عاشقی روی تو ماه بدر من است

مهر رخ تو والشمس من موی تو شام قدر من است

از داغت ای گل، یاس و سنبل، یاسمن می سوزد

لبریز ناله، مثل لاله، قلب من می سوزد

مولا مولا نظری کن (۲)

*****

تو پادشاه قلب منی عشق تو ای گل حاصل من

مهر تو روح امید من شوق مدینه در دل من

قبر تو ویران و بی حرم این صحنه باشد مشکل من

عنایتی کن، سر بخاک، تو دمی بگذارم

شاید همانجا، در مدینه، از غمت جان بسپارم

مولا مولا نظری کن (۲)

*****

می میرم از غم که پیش تو سه ساله ای ای مولای من

پای برهنه بر روی خار میزد صدا کو بابای من

بابا بیا با عمو ببین آبله کرده دو پای من

در تاب و در تب، نیمه ی شب، اشکت شد روانه

می زد به قلبت، تا به افلاک، شعله ها زبانه

مولا مولا نظری کن (۲)

*****

۶- از کربلا تو یادگاری

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب مثنوی

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

از کرببلا تو یادگاری

چون خون شهید پایداری

بر نیزه سر حسین دیدی

بار غم او به جان خریدی

پرپر به خرابه لاله دیدی

بی جان دل شب سه ساله دیدی

۷- سوغات ما از کربلا درد و محن بود

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب مثنوی

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

سوغات ما از کربلا درد و محن بود

پژمردگیّ لاله های در چمن بود

من تشنگی در خیمه را احساس کردم

یاد از دو دست خونی عباس کردم

من کودکی بودم که آهم را شنیدند

دیدم سر جد غریبم را بریدند

من دیده ام در وقت تشییع جنازه

اسبان دشمن را که خورده نعل تازه

من با خبر هستم ز باغی پر شکوفه

خورشید را بر نیزه دیدم بین کوفه

گر چه که من مسموم از زهر هشامم

من کُشته ی ویرانه ای در شهر شامم

دیدم که پر می زند همسنگر من

در خاطرم شد زنده یاد مادر من

۸- دلم اسیر دام تو ، نشسته ام به بام تو

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک شور کف زنی

قالب آهنگین

شاعر شریف علی

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

دلم اسیر دام تو ، نشسته ام به بام تو

چشمه ی چشم اشک من، روان شده به نام تو

*****

به عشق تو مشوّشم، ز غربتت در آتشم

بیاد قبر خاکیت، ز سینه آه می کشم

*****

نشسته ام بپای تو، جوونیم فدای تو

بر سر و سینه می زنم، به ماتم و عزای تو

*****

در سفر کربلا، تو دیده ای رنج و بلا

ز تیغ و نیزه ها شدی، به درد و غصه مبتلا

*****

خون چکیده دیده ای، قد خمیده دیده ای

سر بریده ی به نی، دست بریده دیده ای

*****

زهر ستم چشیده ای، بار گران کشیده ای

به کوفه و شام بلا، زخم زبان شنیده ای

*****

زینب خسته دیده ای، دو دست بسته دیده ای

ز بامها به سنگ کین، سر شکسته دیده ای

*****

خروش و ناله دیده ای، داغ سه ساله دیده ای

ز ضرب سیلی و لگد، گلاب لاله دیده ای

*****

۹- خسته در بند غمم بال و پرم می سوزد

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک شور کف زنی

قالب ترکیب بند

شاعر شریف علی

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

خسته در بند غمم بال و پرم می سوزد

نفسم با جگر شعله ورم می سوزد

با دلم زهر چکرده است خدا می داند

جگرم نه که ز پا تا به سرم می سوزد

دست و پا می زنم و ذکر لبم یا زهراست

گوشه ی حجره همه برگ و برم می سوزد

ز آن همه ظلم که دشمن به سرم آورده

در غمم زار نشسته پسرم می سوزد

گر چه در آتشم و پا به زمین می کوبم

قصه ی کربلا بیشترم می سوزد

هر که این قصه شنیده است ولی من دیدم

خون دل خوردم و شب تا به سحر نالیدم

*****

هستی ما همه در کربلا رفته به باد

چه به روز دل زینب که نیامد ای داد

ارباً اربا بدن شبه پیمبر از تیغ

دست عباس قلم شد به روی خاک افتاد

دشنه و تیغ و سنان سنگ و عصا یک لشکر

غرقه خون تشنه لبی خسته و تنها فریاد

شهدا را همه سر بر سر نی شد دیگر

سر ششماهه چرا، آه و فغان زین بیداد

یک طرف ضجّه و شیون، یکسو هلهله بود

در فغان جمع نوامیس خدا، دشمن، شاد

حمله کردند حرم را چو به غارت بُردند

چه بسا طفل زیر پای ستوران مُردند

*****

۱۰– شیعه زند بر سر و سینه

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک مرثیه

قالب آهنگین

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع از صیام تا قیام

تعداد استفاده ۰

متن شعر

شیعه زند بر سر و سینه

کرب و بلا گشته مدینه

فرزند زهرا جان داده مظلوم

امام باقر گردیده مسموم

*****

ای آخرین شمس ولایت

یابن الحسن سرت سلامت

فرزند زهرا جان داده مظلوم

امام باقر گردیده مسموم

*****

حضرت صادق شد عزادار

گریه کند با چشم خونبار

فرزند زهراجان داده مظلوم

امام باقر گردیده مسموم

*****

دوباره عالم شد عزادار

داغ پیمبر شده تکرار

فرزند زهرا جان داده مظلوم

امام باقر گردیده مسموم

*****

کشتند حجت خدا را

باقر آل مصطفا را

فرزند زهرا جان داده مظلوم

امام باقر گردیده مسموم

*****

ختم رسل صاحب عزا شد

پنجم وصی او فدا شد

فرزند زهرا جان داده مظلوم

امام باقر گردیده مسموم

*****

اشک بنی فاطمه ریزد

ناله ز قلب همه خیزد

فرزند زهرا جان داده مظلوم

امام باقر گردیده مسموم

*****

۱۱- من ذاکر انّا الیه راجعونم

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب مثنوی

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

من ذاکر انّا الیه راجعونم

من خاطرات جانگداز دشت خونم

در کربلا بودم صغیری پنج ساله

همراه بابایم مرا بردند اسیری

دیدم پرستوهای دین را پر بریدند

در قتلگه جدم حسین را سر بریدند

۱۲– چون کبوتر در هوای خاطرات خود رها هستم

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب غزل

شاعر ناشناس

منبع زمزمه های ولایت ۲–۷۷

تعداد استفاده ۰

متن شعر

چون کبوتر در هوای خاطرات خود رها هستم

با تمام کوچه های شهر غربت آشنا هستم

قاب چشمانم پُر از تصویرهای سرخ پائیزی است

آخرین شاهد ز نسل یاس ها در کربلا هستم

روضه می خوانم برای معجری خاکی دریغ امّا

یاد حال عمه زینب در عبور از کوچه ها هستم

در قنوت آخرینم یاد دستانی به زنجیرم

یاد زینب یاد اشکش یاد ذکر ربنا هستم

وقت مرگم گر پدر را من صدا کردم سبب دارد

چون که هم بازی طفل پیر در ویرانه ها هستم

وقت مرگم گر به خاک حجره می غلتم سبب دارد

شاهد غلتیدن جد غریبم در دل گودال ها هستم

فضائل

۱- ای انس و جان محصل دانش سرای تو

مشخصات

مناسبت مدح و مرثیه

سبک مرثیه

قالب قصیده

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع از صیام تا قیام ۳

تعداد استفاده ۰

متن شعر

ای انس و جان محصل دانش سرای تو

وی نه سپهر گوشه ی دارالولای تو

پنجم وصی ختم رسل باقرالعلوم

کلّ علوم در نفس جان‌فزای تو

جابر شفا گرفت ز دست خدایی‌ات

جبریل فیض می‌برد از خاک پای تو

پیش از شب ولادت تو ختم‌الانبیا

از جان و دل سلام فرستد برای تو

می‌جوشد از کلام خوشت معجز مسیح

نبْوَد عجب به مرده دهد جان دعای تو

نام تو، خلق و خوی تو، یکسر محمّد است

وجهِ خداست روی محمّد نمای تو

ما را چه زهره تا که ز مدح تو دم زنیم؟

گوید خدا برای رسولش ثنای تو

اهل سخن هنوز ز دلدادگان حق

دل می‌برند با سخنِ دل‌ربای تو

با آنکه می‌برد دل ما را مدینه‌ات

پیوسته در بقیع دل ماست جای تو

باشد کجا به نزد تو قابل، درود ما؟

ای بر تو لحظه لحظه سلام خدای تو

قبرت خراب و قدر تو باشد بسی بلند

ای عرش کبریا حرم با صفای تو

ویرانه ی بقیع تو باشد بهشت ما

ای خازن بهشت گدای گدای تو

قبر تو در مدینه غریب است و روز و شب

باشد مدینه ی دل ما کربلای تو

دشنام خصم را که دهد با دعا جواب

غیر از تو، ای حلاوت جان در صدای تو

حاشا که حق یک سخنت را ادا کنم

گر صدهزار بار کنم جان فدای تو

چون نور آفتاب که تابیده بر زمین

پیچیده در سپهر معارف، ندای تو

ما ظرف کوچکیم و عنایات تو، بزرگ

ای وسعت جهان همه ظرف عطای تو!

تو در چار بحری و دریای هفت نور

نورند نور جمله تبار و نیای تو

طاق است طاق، مؤمن طاق تو در جهان

بوحمزه و هشام که آرد سوای تو؟

یاد آورم ز خاطره ی چارسالگیت

از کربلا و کوفه و شامِ بلای تو

عالم سیاه در نظرت گَشت همچو شب

وقتی کبود شد بدن عمه‌های تو

بزم یزید ریخت به هم، رنگ او پرید

وقتی بلند گشت صدای رسای تو

گفتی که حاجیان همه ده سال در منا

گیرند دور هم همه با هم عزای تو

ای پنجمین معلم عالم بگو، بگو

زهر هشام با چه گنه شد جزای تو؟

تقدیم توست سوز دل صبح و شام ما

در قلب ما بوَد غم بی‌انتهای تو

نفرین بر آن گروه که در روضهٔ البقیع

نگذاشتند گریه کنم از برای تو

تا هست روح در تن و سوزش درون جان

«میثم» بوَد هماره قصیده سرای تو

۲– کسی که عشق بود محو بردباری او

مشخصات

مناسبت مدح و مرثیه

سبک واحد جدید

قالب قصیده

شاعر مؤید سید رضا

منبع بهار بی خزان

تعداد استفاده ۰

متن شعر

کسی که عشق بود محو بردباری او

روان به پیکر هستی است لطف جاری او

بزرگ آینه ی قدرت خدای بزرگ

که شاهد است جهان بر بزرگواری او

امام پنجم و معصوم هفتم آن مولا

که چرخ یافته رفعت ز خاکساری او

بر او سلام که عطر سلام پیغمبر

هنوز می رسد از خاک لاله زاری او

جهان علم بود یادگار او صد حیف

به درد و داغ نوشتند یادگاری او

ز کربلا سند زنده ای به کف دارد

گواه من دل خونین و اشک جاری او

هزار خاطره دارد ز راه کوفه و شام

ز مهربانی زینب ز غمگساری او

پیاده رفتن او پای نیزه ی سرها

مصیبتی است که پیداست ز آه و زاری او

به دل ز داغ بسی کشته زخم کاری داشت

عدو ز زهر نمک زد به زخم کاری او

هشام دست به آزار حضرتش بگشود

چو دید در ره اسلام پایداری او

ره شکنجه و تبعید او گرفت چو دید

قرار دولت خود را به بی قراری او

مهی که بوسه زند بر رکاب او خورشید

فتاده در کف دشمن رکابداری او

ز زهر تعبیه در زین بسوخت جانش را

گواه سوز دلش حال اضطراری او

به زین نشست و ز زهر جفا ز جان برخاست

سوار نا شده شد آخر سواری او

شرار زهر ستم همچو شمع آبش کرد

که یافت رنگ خزان چهره ی بهاری او

دلا بسوز ز داغش که خویش فرموده است

به حاجیان که بگیرند سوگواری او

بقیع تا تن مسموم او به بر بگرفت

بهشت روی زمین شد ز همجواری او

خدا کند که بیفتد قبول درگاهش

غم «مؤید» و اخلاص و جان نثاری او

۳- ای فروغ دانشت تا صبح محشر مستدام

مشخصات

مناسبت مدح و مرثیه

سبک مرثیه

قالب قصیده

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع از صیام تا قیام

تعداد استفاده ۰

متن شعر

ای فروغ دانشت تا صبح محشر مستدام

وی تو را پیش از ولادت داده پیغمبر سلام

منشأ کلّ کمال و باقر کلّ علوم

هفتمین نور و ششم مولایی و پنجم امام

انس و جان آرند حاجت در حریمت روز و شب

آسمان گردیده بر دور مزارت صبح و شام

این عجب نبود که بخشی چشم جابر را شفا

زخم دل را می دهی با یک نگاهت التیام

ساکنان آسمان را لحظه لحظه، دم به دم

از بقیعت بوی عطر جنت آید بر مشام

در کمال و در جلال و علم و حلم و خُلق و خو

پای تا سر، سر به سر آیینه ی خیرالانام

با تو حق گیرد تداوم از تو حق گیرد کمال

بی تو ایمان نادرست و بی تو قرآن ناتمام

کودکی بودی که از تیغ بیانت ناگهان

روز در چشم یزید بی حیا آمد چو شام

لال شد از پاسخ و زد بر دهن مُهر سکوت

طشت رسوایی او افتاد از بالای بام

تو سر بالای نی دیدی به سن کودکی

گه به دشت کربلا گه کوفه گاهی شهر شام

خیمه های آل عصمت را که آتش می زدند

می دویدی در بیابان اشک ریز و تشنه کام

کوفیان بردند در حبس عُبید ا... تان

شامیان سنگدل سنگت زدند از روی بام

ماجرای کربلا و شام و کوفه بس نبود

از چه دیگر این همه آزار دیدی از هشام

بارها آوردت از شهر مدینه تا دمشق

از وجودت هتک حرمت کرد جای احترام

گاه آوردت به زندان گاه پای تخت خویش

گاه زد زخم زبان و گاه می زد اتّهام

حیف کز زهر جفا گردید قلبت چاک چاک

مرغ روحت پر زد از تن جانب دارالسلام

بس که بر جان عزیزت روز و شب آمد ستم

دادی از سوز جگر بر شیعیانت این پیام

تا به صحرای منا گریند بهر غربتت

حاجیان هنگام حج، پیر و جوان و خاص و عام

دوست دارم بر تو گریم در بیابان بقیع

کرده اند این گریه را بر من حرامی ها حرام

در کنار قبر بی شمع و چراغت روز و شب

هم بشر سوزد چو شمع و هم ملک گرید مدام

از چه شد صد چاک قلبت با چنان قدر و جلال

وز چه ویران مانده قبرت با چنان جاه و مقام

بر تو می گریم که عمری ساقی بزم ولا

روز و شب ساعت به ساعت ریخت خون دل به جام

بر تو ای تنها چو عمّت مجتبی

بر تو می گریم که مظلومی چو جدّ و باب و مام

بر تو می گریم که بردی کوه غم از کودکی

بر تو می گریم که شد با خون دل عمرت تمام

ای خدا را باب رحمت، باب رحمت باز کن

تا که «میثم» زائر قبرت شود فی کل عام

۴– لبم شهد و دهانم چشمه و فیض و کلامم جان

مشخصات

مناسبت مدح و مرثیه

سبک مرثیه

قالب قصیده

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع از صیام تا قیام ۲

تعداد استفاده ۰

متن شعر

لبم شهد و دهانم چشمه و فیض و کلامم جان

سزد با جان خود ریزم به خاک پای جانانش

امام پنجم و معصوم هفتم حضرت باقر

که تا شام ابد بادا سلام از حی منانش

لقب باقر، محمّد نام او، کنیه ابا جعفر

تعالی الله از این کنیه و این نام و عنوانش

رجال علم از صبح ازل، مرهون گفتارش

جهان فضل تا شام ابد، مدیون احسانش

سجود آورده خلقت از پی تعظیم بر خاکش

سلام آورده جابر از رسول حسن سبحانش

عجب نبود اگر در باغ رضوان پای بگذارد

اگر در حشر، شیطان دست خود آرد به دامانش

عجب نی گر شفا بخشد نگاهش چشم جابر را

که هر کس درد دارد خاک کوی اوست درمانش

چراغ روشن دل‌هاست قبر بی چراغ او

چه غم گر نیست شمع و آستان و سقف و ایوانش

نسیمی از بقیعش روح بخشد صد مسیحا را

سزد بر کسب فیض از طور آید پور عمرانش

ضریحش کعبه ی دل بود و ایوانش بهشت جان

الهی بشکند دستی که آخر کرد ویرانش

شنیدی لال شد یک لحظه دانشمند نصرانی

میان جمع در پیش بیان و نطق و برهانش

کی‌ام من تا ثنای حضرتش را خوانم و گویم

خدا باشد ثناگویش، نبی باید ثناخوانش

فروغ دانشش بگرفت چون خورشید، عالم را

که هم انوار ایمان بود و هم اسرار قرآنش

گهی دادند در اوج جلالت نسبت کفرش

گهی بستند بهتان و گهی بردند زندانش

ولی عصر در شب‌های تاریک است، زوارش

تمام خلق عالم پشت دیوارند مهمانش

کنار قبر او جرات ندارد زائری هرگز

که ریزد قطره ی اشکی بر او از چشم گریانش

مگو در روضه‌اش شمع و چراغی نیست، می‌بینم

که باشد هر دلی تا بامداداان شمع سوزانش

به عهد کودکی از خورد سالی دید جدش را

که مانده روی زخم سینه، جای سم اسبانش

اگر در روز محشر هم ببینی ماه رویش را

نشان تشنگی پیداست بر لب‌های عطشانش

دوید از بس که با پای برهنه در دل صحرا

کف پا شد چو دل مجروح، از خار مغیلانش

دریغا آخر از زهر جفا کردند مسمومش

نهان با پیکرش در خاک شد غم‌های پنهانش

بوَد در شعله ی جانسوز، نظم «میثمش» پیدا

غم نـاگفتـه و سـوز دل و رنج فـراوانش

۵- زند پر مرغ دل سوی مدینه

مشخصات

مناسبت مدح

سبک ولادتی

قالب رباعی

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

زند پر مرغ دل سوی مدینه

وزد از هر طرف بوی مدینه

به شوق حضرت باقر مرا هست

هوای خاک دلجوی مدینه

۶- جمال منان سلیل احمد شفیع محشر امام باقر

مشخصات

مناسبت مدح

سبک مرثیه

قالب آهنگین

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع نخل میثم ۴

تعداد استفاده ۰

متن شعر

جمال منان سلیل احمد شفیع محشر امام باقر

کتاب محکم خطاب مُبرم کلام داور امام باقر

خدای مظهر بتول عصمت رسول منظر امام باقر

سلام خالق سلام خلقت سلام ما بر امام باقر

یم عنایت مه ولایت دُر هدایت چراغ انجم

جمال سرمد سمّی احمد فروغ هفتم امام پنجم

سروده خالق ثنای او را ستوده قرآن مقام او را

رسانده جابر ز سوی احمد درود او را سلام او را

مسیح خواند دعای او را کلیم گوید کلام او را

نماز، عاشق رکوع او را سجود او را قیام او را

محبت از ما عنایت از او ارادت از ما کرامت از او

توسل از ما عنایت از او اطاعت از ما امامت از او

تمام نظمم تمام نثرم تمام نشرم حکایت از او

تمام عزمم تمام فکرم تمام ذکرم رضایت او

تمام خطم تمام سیرم تمام راهم هدایت او

تمام بودم تمام هستم تمام دینم ولایت او

تمام عالم محیط فضلش تمام هستی کتاب علمش

تمام ایمان فروغ مهرش تمام جنت ریاض حلمش

نسیم کویش بهشت رویش خصال و خویش بهار قرآن

مدار ایمان خدیو امکان کمال عرفان قرار قرآن

سلام قرآن نثار او باد سلام او باد نثار قرآن

حکایت او ولایت او روایت او شعار قرآن

زهی جلالش زهی مقامش زبان قرآن دم هشامش

مسیح خیزد ز هر پیامش کلیم ریزد ز هر کلامش

سلام احمد سلام قرآن به جسم و جان مطهر او

چراغ خورشید در آسمانها فروغ روی منوّر او

به کام جانها هماره ریزد شراب رحمت ز ساغر او

به دل فروغ مجدّد او به لب ثنای مکرر او

جمال مطلق حقیقت حق به حق که حق را مؤید است این

خدا خصایل نبی شمایل علی فضائل محمد است این

الا وجود مقدس تو به چار ارکان همارہ مولا

به پنج دریا خجسته گوهر به هفت گوهر یگانه دریا

جلال کعبه جمال قبله صفای زمزم دعای مسعا

محیط دانش چراغ بینش امام باقر عزیز زهرا

کَلامُکُم نور و فِعلُکُم خیر شما امامید شما ولا غیر

همارہ نورید همیشه حقید که حق به سوی شما کند سیر

مه جمالت همان جمالِ خدای جلّ جَلاله ی تو

تمام ایمان محبت تو تمام قرآن رساله ی تو

پیام خالق کلام خلقت دعای امت مقاله ی تو

امام ساجد بزرگ والد امام صادق سلاله ی تو

تو نور اخیار تو سرّ اسرار تو بدر انوار تو شمع دیده

به وصف مدحت به قدر و شأنت وَ مَن اَتاکُم نَجی رسیده

بهشت اخلاص بهشت دانش بهشت ایمان مدینه ی تو

علوم غیب و رموز پنهان نوشته بر لوح سینه ی تو

کمال ایمان محبت تو نجات خلقت سفینه ی تو

به جز محمد به جز ائمه نبود و نبوَد قرینه ی تو

حقیقت از تو شریعت او تو کرامت از تو هدایت از تو

فضیلت از تو شرافت از تو امامت از تو ولایت از تو

مراست بار گناه بر دوش تو راست احسان همیشه عادت

اگر چه پستم بگیر دستم که از تو هستم زهی سعادت

تویی زعیمم تویی امامم چه در ولادت چه در شهادت

اگر بمیرم اگر بمانم همه وجودم دهد شهادت

محبت تو عبادت من ولایت تو اطاعت من

به خاک پایت ارادت من به بذل دستت شفاعت من

منم که «میثم» بود تخلص منم که مهرت بود مرامم

اگر کشاند به اوج دارم وگر بر آید زبان ز کامم

تویی حیاتم، تویی مماتم تویی نجاتم تویی امامم

تویی رکوعم تویی سجودم تویی قعودم تویی قیامم

مرا به خاک درت گدایی تو را به امر خدا خدایی

چه در ببندی چه در گشای نشاید از تو مرا جدایی

۷- یا باقرالعلوم کلید دعا تویی

مشخصات

مناسبت مدح و مرثیه

سبک ولادتی

قالب رباعی

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

یا باقرالعلوم کلید دعا تویی

آقای بی حرم، حرم قلب ما تویی

تاریخ را ورق زدم و دیدم از قضا

همبازی سه ساله ی کربلا تویی

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در

نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-IR۹۰ ۵۳-۰۶۰۹به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی

اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان


www